

دو فصلنامه علمی تاریخ نگاری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهرا (س)
سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۳۰، پیاپی ۱۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۱
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۱۶۲-۱۳۷

مؤلفه‌های تاریخ نگاری جمهوری آذربایجان و تاریخ نگاری محلی شمال غرب ایران^۱

محمد رضائی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۳

چکیده

تشکیل جمهوری آذربایجان در واپسین دهه قرن بیستم و سیر هویت‌یابی با استفاده از تاریخ و تاریخ‌نویسی متفاوت درباره گذشته مشترک چند هزار ساله با ایران، چالش‌هایی را متوجه تاریخ‌نگاری محلی مناطق شمال غرب ایران با تأثیرپذیری از آثار منتشر شده در آن کشور کرد. پژوهش حاضر به دنبال بررسی این مسئله است که تشکیل کشوری مستقل با اشتراکات تاریخی، زبان و فرهنگ مشترک با مناطق شمال غرب ایران با نام جمهوری آذربایجان و رویکردهای تاریخ‌نگاری آن چه تأثیرات و پیامدهایی بر تاریخ‌نگاری محلی استان‌های ترک‌زبان شمال غرب ایران داشته است. به نظر می‌رسد شکل‌گیری کشوری به نام جمهوری آذربایجان و تاریخ‌نگاری رسمی آن در راستای ایجاد هویت ملی با استفاده از قرائت خاصی از تاریخ و مؤلفه‌های ناشی از آن در موضوعاتی مانند واژه آذربایجان، ریشه، حدود، آذربایجان شمالی و جنوبی، سابقه باستانی حضور ترکان و حکومت‌های ترک در منطقه، تکیه بر زبان ترکی، تحولات سیاسی جمهوری آذربایجان و مناقشات آن و تاریخ عمومی ترک بر تاریخ‌نگاری محلی در استان‌های ترک‌زبان، تأثیرات محسوس و نامحسوس چندی داشته است. کلیدواژه‌ها: آذربایجان، جمهوری آذربایجان، تاریخ، تاریخ‌نگاری، تاریخ محلی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2024.45133.1684

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران:
ac.m.rezaei@azaruniv.ac.ir

مقدمه

جمهوری آذربایجان از جمله دولتی به شمار می‌رود که زاینده شکست تاریخی حکام قاجاریه از روسیه در منطقه قفقاز و دگرگونی‌های عصر سقوط تزارها و فروپاشی شوروی است. جدایی سرزمین‌های آن‌سوی ارس در پی توسعه‌طلبی امپراتوری تزاری و سیاست‌های هویتی آن و تداوم این سیاست در دوره شوروی سبب ایجاد فاصله با تاریخ مشترک آن با ایران شد. جمهوری آذربایجان در پی استقلال با پیگیری سیاست هویت‌یابی مبتنی بر زبان و فرهنگ محلی به بازتولید هویت جدیدی پرداخت که در نیل به این مهم، تاریخ و تاریخ‌نگاری ابزار مهم و کارآمد به شمار می‌رود. این رویکرد در برخی موارد موجب تحریف و وارونه‌کردن تاریخ مشترک آن با ایران شده و گذشته به گونه‌ای متفاوت با آنچه طی دوره پهلوی و پس از آن در ایران ترویج می‌شد، به رشته تحریر درآمد.

باتوجه به اشتراکات فرهنگی و زبانی ساکنان دو سوی ارس، به‌ویژه استفاده از واژه آذربایجان در نام‌گذاری کشور نوظهور، تاریخ‌نگاری محلی در استان‌های ترک‌زبان ایران تا حدودی به صورت پیدا و پنهان از دیدگاه حاکم بر تاریخ‌نگاری ترک‌محور جمهوری آذربایجان متأثر شده که این روند چالش‌های چندی را موجب شده است.

نظر به اهمیت مناسبات تاریخی و سیاسی ایران با مناطق شمالی ارس، طی دهه‌های اخیر پژوهش‌های چندی در قالب کتاب و مقاله در حوزه تاریخ منتشر شده که به چند دسته تقسیم می‌شود. بیشتر پژوهش‌ها در راستای مسئله دولت-ملت‌سازی عمدتاً از سوی متخصصان حوزه علوم سیاسی صورت گرفته است؛ از جمله کتاب *جمهوری آذربایجان (۲۳ سال تکاپو برای دولت‌سازی)* که مجموعه مقالاتی درباره دولت‌سازی بوده و در بخشی از آن به جریان تاریخ‌سازی توجه شده است (احمدی، ۱۳۹۴).

نویسندگان کتاب *روند ملت‌سازی در جمهوری‌های قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان)* در بخشی به تأثیر روند دولت-ملت‌سازی در جمهوری آذربایجان و تهدیدات احتمالی آن توجه کرده‌اند (قوام و زرگر، ۱۳۹۰). از جمله مقالات مرتبط با این موضوع می‌توان به «دولت‌سازی در قفقاز جنوبی: شکست‌ها و موفقیت‌ها» اشاره کرد که در آن به جمهوری آذربایجان نیز پرداخته شده است (کرم‌زادی و خوانساری فرد، ۱۳۹۱).

سید امامی (۱۳۸۵) در مقاله خود «قومیت از منظر سیاست‌های هویت»، بر لزوم شناخت هویت و مرزهای قومی در راستای جلوگیری از سوءاستفاده از آن پرداخته است. در بخشی از مقاله «دیپلماسی عمومی و سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران در روابط با جمهوری آذربایجان؛ ظرفیت‌ها، موانع و راهکارها» به تحریف تاریخ در ارتباط با ایران توجه شده است

(حسینی تقی‌آباد و علی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۴-۱۰).

بخش دیگری از پژوهش‌ها به مسئله هم‌گرایی و واگرایی و ارائه راهکارهایی در این راستا اختصاص دارد. تعدادی از پژوهش‌ها نیز پیرامون مسائل قومی و هویتی سامان یافته است. علی‌مرشدی‌زاده (۱۳۸۴) در کتاب *روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی* با توجه به آثار و مواضع مختلف به بررسی مسئله هویت ملی و قومی منطقه در میان نخبگان آذربایجانی توجه کرده است.

در زمینه تاریخ و تاریخ‌نگاری به‌عنوان مقوله‌ی پر اهمیت در ایجاد هویت برای جمهوری آذربایجان نیز پژوهش‌های ارزشمندی در قالب کتاب و مقاله انجام یافته است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول پژوهش‌هایی را شامل است که تاریخ‌نگاری جدید جمهوری آذربایجان را بررسی کرده‌اند؛ از جمله پژوهش‌های دسته اول بررسی کتب درسی جمهوری آذربایجان را می‌توان نام برد (احمدی، ۱۳۹۶). در این کتاب نویسنده رویکرد حاکمیت با استفاده از تاریخ‌نگاری را در ایجاد هویت میان دانش‌آموزان به‌عنوان گروهی با بیشترین امکان تأثیرپذیری از ایدئولوژی حاکم، بررسی کرده است که بخشی از آن در ارتباط با تاریخ ایران و تحریفات صورت گرفته است. براساس همین کتاب مقاله‌ای نیز با عنوان «بررسی کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان (با تأکید بر کتاب‌های تاریخی)» منتشر شده است (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۸۴-۱۵۷).

در کتاب *چالش‌های تاریخ‌نگاری وارونه، نقدی بر مکتب تاریخ‌نگاری قفقاز* نویسنده تلاش دارد آنچه تحریف تاریخ در ارتباط با آذربایجان است، بررسی کند (سیف‌الدینی، ۱۳۹۵). در بخشی از کتاب شکل‌گیری تاریخ‌نگاری مدرن در جمهوری آذربایجان به تاریخ‌نگاری رسمی در راستای دولت-ملت‌سازی و قوم‌زایی بعد از استقلال جمهوری آذربایجان پرداخته شده است (یعقوب‌زاده فرد، ۱۴۰۰). از سایر مقالات مرتبط می‌توان «تحول تاریخ‌سازی در جمهوری آذربایجان» را نام برد که به‌شکلی ناقص سیر تاریخ‌نگاری یا آنچه نویسنده تاریخ‌سازی می‌نامد، بررسی شده است (بابایی، ۱۳۹۵).

دسته دوم شامل آثاری است که تلاش دارند علل و عوامل تأثیرگذار بر تاریخ‌نگاری این کشور را بررسی کنند؛ از جمله این پژوهش‌ها می‌توان مقاله «اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد هویت ملی برای آذربایجان در دهه ۱۹۳۰» را نام برد که نویسنده به تلاش‌های شوروی سابق برای جداسازی هویت اهالی مناطق شمالی ارس از گذشته تاریخی و فرهنگی در راستای ایجاد هویت جدید آذربایجانی و علل آن پرداخته است (Yilmaz, 2013: 511-533). مقاله دیگری از همین نویسنده با عنوان «مشاجرات داخلی: مورخان آذربایجان علیه ایران شناسان شوروی»،

اختلاف‌نظر مورخان جمهوری آذربایجان و ایران‌شناسان شوروی درباره نحوه تطبیق تاریخ گذشته منطقه با رویکرد استالینی و مشکلات ناشی از آن بررسی کرده است (Yilmaz, 2013: 769- 783).

با وجود اهمیت پژوهش‌های یادشده، به صورت اختصاصی تأثیرات احتمالی رویکردهای مورخان جمهوری آذربایجان و مؤلفه‌های ناشی از آن بر منابع داخلی بررسی نشده است. ضرورت پرداختن به چنین موضوعی از آنجا ناشی می‌شود که همه‌ساله شاهد انتشار کتب متعددی در خصوص تاریخ و فرهنگ منطقه هستیم. اگرچه اکثر آثار منتشرشده از نظر علمی بی‌مایه، غیرعلمی و از سوی نویسندگانی عمدتاً غیرمتخصص نوشته شده و در مجامع علمی و دانشگاهی اعتنایی به آن‌ها نمی‌شود، در سطح جامعه که اطلاع‌چندانی از بینش و روشی حاکم بر تاریخ‌نگاری علمی ندارند به شکل‌گیری گفتمانی در تضاد با شواهد تاریخی موجود می‌انجامد.

هدف از پژوهش حاضر بررسی تاریخ‌نگاری جمهوری آذربایجان نیست، بلکه تلاش شده با ارائه نمونه‌هایی از دیدگاه‌های رایج در آن کشور که در متن کتاب‌های منتشرشده نمود یافته، تأثیرات آن بر آثار چاپ‌شده با موضوع تاریخ محلی آذربایجان طی دهه‌های اخیر را واکاوی کند و میزان تأثیرپذیری احتمالی از رویکرد حاکم بر تاریخ‌نگاری همسایه شمالی و مؤلفه‌های ناشی از آن که در تضاد با گفتمان حاکم بر تاریخ‌نگاری ایران، به‌ویژه تاریخ‌نگاری باستان‌گرای عهد پهلوی است تا حد امکان روشن نماید. براین اساس پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای تلاش دارد پاسخی به سؤال زیر بیابد.

شکل‌گیری کشوری با نام جمهوری آذربایجان و رویکردهای تاریخ‌نگاری آن چه تأثیراتی بر تاریخ‌نگاری محلی در استان‌های ترک‌زبان داشته است؟

به نظر می‌رسد با توجه به نبود توجه کافی به تاریخ محلی، به‌ویژه از سوی محافل علمی، طی دهه‌های اخیر تاریخ‌نگاری جمهوری آذربایجان و دیدگاه‌های حاکم بر آن در برخی مسائل مانند ریشه واژه آذربایجان، حضور ترکان، زبان ترکی و در نتیجه حاکمیت ترکان تا حدودی بر تعدادی از نویسندگان داخلی تأثیرگذار بوده و پیامدهای آن در متن برخی کتب منتشرشده مشهود است.

تاریخ‌نگاری جمهوری آذربایجان و شمال غرب ایران

تاریخ‌نگاری به‌عنوان ابزاری در راستای ایجاد دولت‌ملت و مشروعیت‌آزسوی حکومت در جمهوری آذربایجان به خدمت گرفته شد و بسیاری از کتب منتشرشده روایت حکومت از

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ / ۱۴۱

تاریخ را منعکس کرده و نوعی تاریخ هدایت‌شده به شمار می‌رود که از این بابت اعتبار چندانی ندارند (ملایی توانی، ۱۳۹۰: ۹۱-۸۹).

البته این مسئله چندان جدید نبوده و از دوره شوروی، اقداماتی جهت تغییر هویت آن در راستای جداکردن اهالی از پیوستگی تاریخی و فرهنگی با ایران براساس ایدئولوژی حاکم و قرائت استالینی از تاریخ صورت گرفته بود، ولی این روند بعد از استقلال در شکل و قالبی جدید سامان یافت. در این راستا تاریخ‌نگاری جمهوری آذربایجان تلاش می‌نماید گذشته را به‌گونه‌ای ترسیم نماید تا با نیازهای ایدئولوژی حاکم همخوانی داشته باشد؛ لذا شاهد تولید انبوه منابع مکتوب با قرائتی متفاوت از تاریخ‌نگاری فارسی، به‌ویژه گفتمان ناسیونالیستی مبتنی بر باستان‌گرایی در تاریخ‌نگاری رایج عصر پهلوی هستیم (نک. رسولی، ۱۳۹۷: ۴۴-۴۱؛ آبادیان، ۱۴۰۱: ۲۴-۱۳؛ پارسا مقدم، ۱۴۰۲).

نکته مهم اینکه نمی‌توان از تأثیر دیدگاه‌ها و اندیشه‌های سازنده این تاریخ‌نگاری بر تعداد نسبتاً زیاد نویسندگان محلی مناطق شمال غرب ایران غافل شد. چنانچه اشاره شد همه‌ساله تعدادی کتاب با موضوع تاریخ یا سایر حوزه‌های فرهنگ محلی در ایران منتشر می‌شود. اگرچه پرداختن به تاریخ محلی در روشن‌شدن زوایای تاریک تاریخ و فرهنگ این مناطق حائز اهمیت است و کارکردهای چندی از جمله ایجاد هویت و خودآگاهی ملی از آن انتظار می‌رود (دهقانی، ۱۳۹۰: ۱۳۲)، ولی با بررسی کتب موجود به نظر می‌رسد در مواردی این روند مسیری مغایر با چنین اهدافی را پیموده و گاهی هویت محلی در برابر هویت ملی قرار گرفته، چالش‌هایی را سبب شده است. در برخی از این آثار انگاره‌های ایدئولوژیک تاریخ‌نگاری جمهوری آذربایجان به‌صورت آشکار و پنهان اثر نهاده و هویتی جدید مبتنی بر آذربایجان‌گرایی (آذربایجانچلیق) را تبلیغ می‌نماید.

از دید برخی صاحب‌نظران حوزه تاریخ‌نگاری، نوشتن برخی کتاب‌ها، به‌ویژه طی سه دهه اخیر نوعی واکنش به تاریخ‌نگاری باستان‌گرای دوره پهلوی و رویکردهای آن درباره منطقه آذربایجان است. تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک از اوایل دوره پهلوی به‌عنوان ابزاری در پیشبرد دیدگاه حاکمیت و نخبگان جهت ایجاد هویت ملی و یکپارچگی کشور به کار گرفته شد (صدقی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۸-۸۵) که گاه موضع‌گیری‌ها و توصیه‌های نه‌چندان علمی را در پی داشت.

این دیدگاه‌ها گاهی درخصوص برخی مسائل فرهنگی و به‌ویژه زبانی مناطقی مانند آذربایجان تندرمانه بود، لذا از همان دوره مخالفت‌هایی را سبب شد. این مخالفت‌ها پس از انقلاب و عدم حمایت از ایدئولوژی باستان‌گرا، مجال رشد بیشتری یافت و تا حدودی تبدیل

به گفتمان رایج در منابع این حوزه در ارتباط با منطقه شده است. براین اساس شاید بتوان بخشی از مطالب موجود در کتب منتشرشده را پاسخی به تدریج‌های گذشته دانست، ولیکن تا فروپاشی شوروی طرح برخی موارد چالش‌برانگیز در کتاب‌های منتشرشده در ایران چندان گسترده نبوده است.

از سوی دیگر شاهد انتشار نسبتاً گسترده کتاب درخصوص تاریخ منطقه هستیم که منابع استفاده‌شده آن‌ها را کتاب‌های منتشرشده در آن سوی ارس تشکیل می‌دهد. این واقعیت تا حدود زیادی مؤید تأثیرپذیری از تاریخ‌نگاری همسایه شمالی است. علاوه بر این، در اکثر موارد منبع استفاده‌شده نویسندگان متأثر از این جریان، کتاب *ایران ترک‌لری نین اسکی تاریخی* و در پاره‌ای موارد کتاب‌های نویسندگان هم‌سو است. براین اساس اگرچه نمی‌توان نقش برخی عوامل داخلی و تدریج‌ها در ایجاد زمینه برای چنین رویکردهایی پیرامون تاریخ و فرهنگ منطقه را نادیده گرفت، به نظر می‌رسد تأثیرپذیری از عوامل خارجی طی دهه‌های اخیر نقش بیشتری داشته است.

آمار موجود حاکی از آن است که نگارش کتاب با موضوع تاریخ آذربایجان با عناوین مختلف طی دو دهه اخیر در ایران روندی روبه‌رشد داشته و کتاب‌های متعددی روانه بازار شده؛ ولی آثار منتشرشده از نظر علمی و ادبیات نگارش در سطح عمدتاً نازل قرار دارند و در اکثر آن‌ها تلاش بر تولید و تبلیغ گفتمان خاص بر محوریت قومیت و هویت محلی مشهود است. به نظر می‌رسد این روند به احتمال زیاد در آینده کاهش احساس تعلق به هویت ملی را سبب خواهد شد. در ادامه باتوجه به کتاب‌ها و پیش‌نویس‌های اولیه ارائه‌شده جهت اخذ مجوز به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی به بررسی برخی چالش‌های تاریخ‌نگاری محلی در شمال غرب ایران پرداخته خواهد شد.

واژه آذربایجان

۱. اختلاف در ریشه و منشأ واژه آذربایجان

درباره معنای آتروپاتکان و وجه تسمیه آن بین دیدگاه‌های سنتی رایج در بین مورخان ایران با جمهوری آذربایجان اختلاف نظر وجود دارد. دیدگاه‌های موجود در سه دسته تقسیم‌بندی می‌شود، برخی پژوهشگران ایرانی باتوجه به منابع یونانی (استرابو، ۱۳۸۲: ۴۹؛ پلوتارخ، ۱۳۸۰: ۴۵۶) آن را برگرفته از نام سرداری به نام «آتروپات» یا «آتروپاتس» می‌دانند. تعدادی از صاحب‌نظران نیز باتکیه بر منابع متقدم عربی و سفرنامه‌ها این واژه را مأخوذ از آتش دانسته و قراردادن آتشکده معروف آذرگشسب در منطقه را علت این نام‌گذاری عنوان می‌کنند (یاقوت

حموی، ۱۹۹۵: ۱/ ۱۲۸) و آذربایجان را متشکل از سه جزء «آتور» یعنی آتش «پت» به معنای نگهبان و «کان» یا «گان» به معنای محل دانسته، آن را نگهبان آتش معنا می‌کنند. در مقابل پژوهشگران جمهوری آذربایجان این واژه را دارای منشأ ترکی می‌دانند، ولی در خصوص اجزا و معنای آن اختلافاتی میان ایشان وجود دارد. برای مثال عده‌ای مانند سیداف آن را دارای اجزای «آذ - ار - بای - گان» به معنی پدر توانگر مبارک دانسته‌اند (سیداف به نقل از فاتقی، ۱۳۷۵: ۱۰۰-۹۹). برخی مانند غنی‌یوف واژه آذربایجان را از «ادیر»^۱ به معنی بلندی، تپه، کوه‌پایه و رشته‌کوه می‌دانند و کوهستانی بودن «بخش اعظم آذربایجان جنوبی» را مؤید آن می‌دانند (QƏNİYEV, 2019: 12). این نتیجه‌گیری‌ها در خصوص ریشه و منشأ واژه آذربایجان در برخی منابع انتشار یافته در ایران نیز مشهود است و تعدادی از نویسندگان به باز نشر این نظریه پرداخته‌اند (چهره‌گشا، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۴؛ سپهر وند، ۱۳۸۱: ۳۸-۳۷). البته پیش از استقلال جمهوری آذربایجان نیز نظریاتی مشابه، هرچند محدود، از سوی برخی نویسندگان داخلی ارائه شده است؛ برای مثال در برهان قاطع این کلمه ترکی و «آذر» را به معنی بلند و «بایگان» به معنی بزرگان گرفته و آن را جای بزرگان معنی کرده‌اند (برهان تبریزی، ۱۳۳۲: ۱/ ۲۴).

۲. آذربایجان یا جمهوری آذربایجان

شکل‌گیری جمهوری آذربایجان در دو مقطع زمانی در منطقه‌ای که در ادوار گذشته عمدتاً بخشی از قلمروی حکومت‌های مستقر در ایران بوده، یکی از مسائل مهم و تأمل‌برانگیز است که بر تاریخ‌نگاری محلی منطقه تأثیرگذار بوده است. در پی خلأ ناشی از فروپاشی و سقوط تزارها در (۲۸ می ۱۹۱۸/۶ خرداد ۱۲۹۷ ش) با صدور اعلامیه‌ای در تفلیس شاهد شکل‌گیری دولتی توسط حزب مساوات در گنجه و سپس با کمک قوای عثمانی در باکو به ریاست محمدامین رسول‌زاده هستیم که جمهوری خلق آذربایجان نامیده شد (İbrahimova, 2010: 251-279).

در زمان شوروی از عنوان جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان برای این بخش استفاده شد؛ ولی در پی فروپاشی شوروی، با نام جمهوری آذربایجان در (۱۸ نوامبر ۱۹۹۱/۲۷ آبان ۱۳۷۰) بار دیگر موجودیت مستقلی یافت. همان‌گونه که این نام‌گذاری در ابتدای قرن بیستم محل ایراد بوده و محمدامین رسول‌زاده در روزنامه رعد مورخ ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ مجبور به توضیح شد (بیات، ۱۳۸۰: ۴۷)، در اواخر سده بیست نیز استفاده از این واژه

چالش‌هایی را به‌همراه داشت.

یکی از موارد مهم، استفاده از واژه آذربایجان به‌صورت عام و کلی در عناوین و متن کتاب‌های مختلف تاریخی است. برای نمونه کتاب *تاریخ سیاسی و جغرافیایی آذربایجان* و بسیاری کتاب‌ها با عناوین مشابه را می‌توان نام برد که نویسندگان علاوه‌بر شمال ارس به مناطق جنوبی آن نیز پرداخته‌اند که داخل جغرافیای سیاسی جمهوری آذربایجان نیست (Piriyev, 2006: 14; QƏNİYEV, 2019: 12).

در کتاب‌های منتشر شده در ایران، به‌ویژه منابع تاریخ محلی نیز واژه آذربایجان در بسیاری از موارد به‌صورت عام و کلی بدون مشخص کردن منطقه مدنظر و بهره‌گیری از پیشوند یا پسوند به‌گونه‌ای استفاده شده که همراه با ابهام است و می‌تواند هم مناطقی از ایران و نیز مناطق شمالی ارس را پوشش دهد. به‌زعم برخی پژوهشگران این مسئله به‌صورت عمدتاً تعمدی صورت می‌گیرد (رضا، ۱۳۶۷: ۲۱۷-۲۱۶)، ولی دلیلی برای این نظریه ارائه نمی‌شود. به‌احتمال زیاد بتوان آن را نوعی تأثیرپذیری از دیدگاه تاریخ‌نگاری جمهوری آذربایجان به شمار آورد. برخی نویسندگان براساس گستره جغرافیایی زبان ترکی، آذربایجان باستان را از «جنوب ترکمنستان تا شمال خراسان و شمال ایران تا آناطولی... قفقاز در شمال تا دشت قزوین و شوش را شامل» می‌دانند (کریمی، ۱۴۰۰: ۷۸). پرواضح است آنچه در منابع متقدم موجود درباره حدود منطقه ثبت شده با چنین دیدگاه‌هایی در تضاد آشکار است.

ازسوی دیگر چنین قرائتی امکان این را فراهم می‌کند تا واژه‌هایی مانند آذربایجان شمالی و جنوبی یا کلماتی مشابه همچون بخش شمالی و جنوبی آذربایجان توسط نویسندگان جمهوری آذربایجان برای اطلاق به دو سوی ارس استفاده شود.^۱ تأثیر این دیدگاه تا حدودی در کتاب‌های تاریخ مناطق شمال غرب ایران مشهود است. برخی نویسندگان داخلی نیز از آذربایجان شمالی و جنوبی یا واژگانی مشابه آن استفاده می‌کنند.^۲ این در حالی است که در

۱. برای نمونه «در سرزمین‌های آذربایجان جنوبی به‌روشنی کتیبه‌های اورارتویی به‌ویژه در حوزه مناطق اطراف ارومیه» یا «درمورد آذربایجان جنوبی برخی اطلاعات از کتاب‌های مقدس نیز می‌توان به دست آورد» که در هر دو واژه آذربایجان جنوبی تکرار شده است (Əliyev, 2007: 7). همچنین رک.

Əliyev, 2007: 7; Əliyev, Şükürova, 2010: 5-6; Həsənova, Əliyeva, 2010: 83; Nəcəfova, 2010: 196-221; İsmayılova, 2010: 526-545; MAHMUDLU, et al, n.d /9:109, 137-139; NURIYEVA, 2015: 197, 208; Mahmudlu, et al, 2018: 13.

۲. برای مثال «آثار باستانی که در قوبوسستان در آذربایجان شمالی» (کریمی، ۱۴۰۰: ۲۳۴). استفاده از واژگان آذربایجان شمالی و جنوبی در سایر کتاب‌ها نیز مشهود است (رک: زهتابی، ۱۳۸۱: ۱/۱۴؛ گروه مؤلفان (۱)، ۱۴۰۰: ۱۲۲ و ۸۷ و ۲۰ و ۱۰؛ زرگری، ۱۴۰۰: ۲۱۶ و ۴۵؛ زارع شاهمرسی، ۱۳۸۵: ۷۳؛ یگانه، ۱۳۹۸: ۱۸؛ عزیزی، ۱۳۹۹: ۹۵ و ۷۵-۶۴؛ سپهروند، ۱۳۸۱: ۲۳ و ۱۶؛ قربانی، ۱۳۹۵: ۲۱).

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ / ۱۴۵

هیچ‌یک از منابع متقدم استفاده از این واژگان جهت نامیدن دو سوی ارس مصطلح نبوده است. به نظر می‌رسد استفاده از این عناوین براساس رویکردهای سیاسی و در راستای طرح ادعای سرزمینی انجام می‌شود.

مسئله مهم دیگری که در برخی کتاب‌ها تأکید شده، لزوم ایجاد دولتی متحد در منطقه است که پیش‌تر توسط برخی از حکام محلی محقق شده، لذا مسبوق به سابقه است. برای نمونه محمودلو و همکارانش در تیتیر یکی از کتاب‌های خود با عنوان *ایجاد دولت مستقل* می‌نویسد: «در چنین شرایطی بیداری سیاسی آذربایجان آغاز شد. شروان شاهان، ساجی‌ها، سالاریان، روادیان، شدادیان، حکام شکی... و سایر حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل ایجاد شد... خاندان ساجی آذربایجان را در قالب دولتی مستقل متحد کردند... در دوره حاکمیت شاه اسماعیل اکثر مناطق آذربایجان در قالب دولتی واحد متحد شدند» (Mahmudlu, et al, 2018: 28, 31, 111, 114).

نویسندگان جمهوری آذربایجان و نویسندگان داخلی متأثر از این دیدگاه معتقدند در پی معاهده گلستان و ترکمنچای «وطن ما به دو قسمت تقسیم شد» (MAHMUDLU, et al, 2006:116 n.d:9/ 8) و سرزمینی واحد دو تکه گردیده و ملتی برادر در دو سوی ارس از هم جدا مانده‌اند (mahmudlu, Khalilov, Agayev, 2001:5/ 144-148). به اعتقاد ایشان «در نتیجه جنگ‌هایی که بین سال‌های ۱۸۲۸-۱۸۱۳ بین دول روسیه تزاری و قاجارهای ایران درگرفت، سرزمین‌های آذربایجان در شمال ارس به اشغال روسیه درآمد و در نتیجه سرزمین‌های ما که ۴۱۰ هزار کیلومترمربع بود، به دو قسمت تقسیم شد و در حال حاضر جمهوری آذربایجان تنها در ۸۶,۶ هزار کیلومترمربع از این سرزمین‌های تاریخی استقرار دارد» (QƏNİYEV, 2019: 13-14).

از زمان استقلال جمهوری آذربایجان در کتاب‌های متعدد ایده آذربایجان واحد مطرح شده است. به نظر می‌رسد هدف از این رویکرد چیزی جز لزوم اتحاد سرزمینی به رهبری دولت باکو نیست. ایشان مدعی هستند قسمت شمال آذربایجان استقلال یافته و بایستی زمینه‌های بخش جنوبی جهت تشکیل کشوری واحد فراهم شود. دیدگاه ایلچی‌یک مبنی بر خارج کردن جنوب ارس از اشغال فارس‌ها و الحاق به جمهوری آذربایجان نمونه گویای چنین بینشی است (علی‌اف، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

به تصویر کشیدن مناطق ترک‌زبان ایران در نقشه‌های برخی کتاب‌های درسی و غیردرسی به‌عنوان بخشی از آن کشور در این راستا قابل بررسی است (MAHMUDLU, et al, n.d /8: 53-54, 71, 83, 101). اگرچه وجود مانع در زمان اخذ مجوز کتاب امکان طرح علنی چنین

ادعاهایی را از سوی نویسندگان داخلی منتفی می‌کند، ولیکن بررسی متن کتاب‌ها و به‌ویژه پیش‌نویس‌های اولیه ارائه‌شده جهت اخذ مجوز تا حدودی حاکی از رسوخ و انعکاس چنین دیدگاه‌هایی، به‌صورت غیرمحسوس است.

فرضیه دیرپایی حضور ترکان در آذربایجان

از دیگر موارد طرح‌شده در تاریخ‌نگاری رسمی جمهوری آذربایجان اصرار بر نظریه بومی بودن ترکان در منطقه است. در این قرائت بر منشأ باستانی ترکان در سرزمین آذربایجان تأکید می‌شود. در برخی از کتاب‌ها، آذربایجان مسکن انسان‌های اولیه، نخستین خاستگاه ترکان و محل زندگی قبایل ترک باستانی شمرده می‌شود (NURIYEVA, 2015: 10-16) و ترکان امروزی اولین ساکنان آذربایجان بوده و از دوره باستان در این منطقه حضور داشته‌اند.

اقوامی مانند لولوبی‌ها، کاسی‌ها، حوری‌ها، ماناها و مادها که در جنوب ارس زندگی می‌کردند، نیاکان ترکان آذربایجان امروز را تشکیل می‌دهند (Yusifov, 1994: 287-284; Elçibey, 2012: 804-812). براین اساس، البته تحت تأثیر تاریخ‌نگاری ترکیه، سومری‌ها در اصل مهاجرانی از آذربایجان به بین‌النهرین قلمداد می‌شوند. طرفداران این نظریه معتقدند به‌مرور با ورود عنصر جدید ترک و آمیختن با بومیان طی سه مرحله روند حضور ترکان تقویت شده است (Bünyadov, 2005: 156-157; Agaoğlu, 2006: 176; Əliyarlı, 2009: 17; Rüstemova, 2009: 110-122).

این سه مرحله از اوایل سده هفتم پیش از میلاد، با مهاجرت کیمرها و اسکیت‌ها شروع و با حضور هون‌ها و بعدها سلاجقه تکمیل شده است. مورخان جمهوری آذربایجان، چنان‌که مطرح خواهد شد، با استفاده از چنین پیش‌فرض‌هایی نتیجه می‌گیرند که اولین حکومت‌های تشکیل‌شده در آذربایجان ترک‌تبار بوده و منطقه ازسوی سلسله‌های ترک اداره می‌شد (NURIYEVA, 2015: 20; QƏNİYEYEV, 2019: 40).

یکی از پیامدهای این قرائت اصرار بر دیرینگی زبان و فرهنگ ترکی و تقدم آن در منطقه آذربایجان بوده و حتی برخی پا را فراتر نهاده، خاستگاه زبان ترکی را آذربایجان می‌دانند (سیف‌الدینی، ۱۳۹۵: ۱۰). از دیدگاه ایشان زبان از عوامل اثبات نژاد اقوام باستانی به شمار می‌رود، لذا بر ترک و بومی بودن این اقوام اصرار زیادی شده و لولوبی‌ها، کیمری‌ها، سکاها، ارارتوها، ماناها و مادها اقوام ترک‌زبان شمرده می‌شوند (NURIYEVA, 2015: 53).

برخی از ایشان معتقدند قدیمی‌ترین گویش ترکی را می‌توان در زبان ماناها جست‌وجو کرد (NURIYEVA, 2015: 25). در اینجا قصد نقد صحت و سقم این نظریه را نداریم، ولی با

تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ / ۱۴۷

توجه به منابع موجود چنین نگاهی به تاریخ باستان منطقه، در بسیاری از منابع ایرانی نیز تا حدودی مشاهده شده است^۱ و تعدادی از نویسندگان در آثار خود به بازنشر خواسته یا ناخواسته آن اقدام کرده‌اند. برای مثال در کتاب *نگاهی به تاریخ آذربایجان آمده: «وقتی به آذربایجان می‌آییم دولت‌های مقتدری از ترکان آفریده و قرن‌ها حکومت مقتدری را برقرار کرده‌اند.»* (کریمی، ۱۴۰۰: ۲۰۳) برخی نویسندگان داخلی بدون ارائه شواهد لازم حضور ترکان در منطقه را ۲۵۰۰ سال پیش از آریایی‌ها دانسته (عزیزی، ۱۳۹۹: ۲۰ و ۵۴-۵۵) و طویف ترک را ساکنان اصلی و قدیمی ماد آروپاتن به شمار می‌آورند (چهره‌گشا، ۱۳۸۹: ۲۵).

این درحالی است که براساس اخبار موجود مادها در اصل اتحادیه‌ای از قبایل به شمار می‌روند که تعدادی از آن‌ها التصاقی زبان بوده‌اند و اطلاع موثقی مبنی بر ترک‌بودن ایشان در دست نیست. همچنین اعتقاد به مهاجرت سومریان از آذربایجان بدون ارائه شواهد تاریخی و تنها براساس شباهت مطرح می‌شود (زهتابی، ۱۳۸۱: ۱ / ۳۹؛ گروه مؤلفان (۲)، ۱۴۰۰: ۴۹؛ همراز، ۱۳۹۸: ۱۳-۱۱؛ نیایش، ۱۳۸۰: ۴۴-۳۷).

به ادعای ایشان سومرشناسان «متوجه شباهت‌های زبانی و فرهنگی بین ترک‌های ساکن آذربایجان باستانی و سومریان شدند.» و وجود هنر مشترک بین دو منطقه نشان از این پیوند دارد که البته در بسیاری از موارد شباهت‌های ادعا شده به صورت کلی و بدون ارائه منبع موثق طرح شده است (گروه مؤلفان (۲)، ۱۴۰۰: ۱۰۵ و ۷۷ و ۵۸). در پاره‌ای مواقع نیز تحت‌تأثیر آموزه‌ها و گفتمان غالب بر تاریخ‌نگاری همسایه شمالی، آذربایجان مرکز زبان ترکی دانسته شده است.

به‌زعم ایشان از عصر باستان زبان مردم منطقه ترکی بوده و ترکی امروزی از آمیزش و ترکیب زبان اقوام باستانی آذربایجان با لهجه‌های دیگر این زبان شکل گرفته است (کریمی، ۱۴۰۰: ۲۳۴). از نظر ایشان «هیچ تردیدی نیست که ترکی سخن گفتن آذربایجانیان دلیل بومی بودن این زبان در این سرزمین بوده است... و طویف ترک زمانی که به آذربایجان رسیدند با هم‌زبانان خود مواجه می‌شدند» (چهره‌گشا، ۱۳۸۹: ۲۶؛ همو، ۱۳۹۳: ۱۹؛ گروه مؤلفان (۲)، ۱۴۰۰: ۳۲۲ و ۱۹۶-۱۸۳؛ همراز، ۱۳۹۸: ۲۹-۲۸). اگرچه بی‌دقتی در ثبت مسائل فرهنگی توسط جغرافی‌نگاران سده‌های اولیه و تناقض در متون امکان برخی نتیجه‌گیری‌های نادرست را فراهم می‌نماید، پاره‌ای اخبار کاملاً با دیدگاه‌های تأکیدشده این گروه مغایر است.

۱. در سایر منابع نیز چنین رویکردی دیده می‌شود؛ برای نمونه (رک. محمدزاده صدیق، ۱۳۸۶: ۷؛ گروه مؤلفان (۲)، ۱۴۰۰: ۲۵۸؛ یگانه، ۱۳۹۸: ۱۶؛ چهره‌گشا، ۱۳۸۹: ۱۷ و ۱۱؛ همو، ۱۳۹۳: ۱۸؛ زرگری، ۱۴۰۰: ۱۲؛ محمودی قلندری، ۱۳۹۲: ۷؛ نائبی، ۱۳۹۲: ۷۰؛ عزیززاده، ۱۳۸۶: ۵۸؛ الهیاری، ۱۳۸۸: ۳۲؛ نیایش، ۱۳۸۰: ۷).

حاکمیت ترکان و مسئله خان‌نشین‌ها

۱. تأکید بر حاکمیت ترکان بر آذربایجان

به اعتقاد برخی پژوهشگران کتمان حاکمیت سلسله‌های مستقر در ایران بر منطقه قفقاز یکی از مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری جمهوری آذربایجان به شمار می‌رود (احمدی، ۱۳۹۴: ۳۲) که نمونه آن کتب درسی و آثار انتشاریافته توسط نویسندگانی مانند رامیز مهدی‌اف یا در کتاب *الهام سیمای* یک رئیس‌جمهور (ویلسون، ۱۳۹۰) قابل مشاهده است. چنان‌که اشاره شد نویسندگان این آثار معتقدند در طول تاریخ سلسله‌های ترک بر منطقه آذربایجان حکومت داشته و از عهد باستان یعنی دوره مانناها، اورارتوها، مادها و آتروپاتکان حاکمیت ترکان شروع و پس از اسلام طی دوره سلجوقی، اتابکان، ایلخانی، چوپانی، تیموری، صفوی، افشار و قاجار ادامه یافته که نوعی تداوم ملک‌داری به شمار می‌رود.

نکته مهم اینکه این سلسله‌ها علاوه بر آذربایجان و قفقاز بر فلات ایران نیز استیلا داشته‌اند، در نتیجه ایران بخشی از متصرفات حکام ترک و فاقد حکومت مستقل محسوب می‌شود. در دوره‌بندی تاریخی نیز به ترک و آذربایجانی‌بودن دولت‌ها یا اشغال منطقه در برخی ادوار ازسوی سایر دول و اقوام مانند ساسانیان و عرب‌ها که همراه با شورش‌هایی بوده، توجه می‌شود.^۱ (NURİYEVA, 2015: 46). این قرائت یک جانبه از تاریخ، از دوره باستان شروع و تا الحاق مناطق شمالی ارس به روسیه تداوم می‌یابد.

بی‌شک یکی از پیامدهای این نوع تاریخ‌نگاری، القای اندیشه وجود کشور آذربایجان به‌عنوان واحدی سیاسی مستقل از دوره باستان است (Turan, 2016: 278-279). در این میان سلسله صفویه در اندیشه تاریخ‌نگاران جمهوری آذربایجان جایگاه ویژه‌ای دارد، چراکه به‌زعم ایشان در این دوره اولین بار مناطق شمالی و جنوبی ارس در داخل دولت آذربایجان متحد شده و زبان آذربایجانی به‌عنوان زبان حکومت انتخاب شده است (NURİYEVA, 2015: 8-9). در کنار آن ایده آذربایجان بزرگ یا واحد نیز مطرح می‌شود (واعظی، ۱۳۸۹: ۸۶). باتوجه به چنین نگاهی به تاریخ، آذربایجان واجد ماهیت مستقل شمرده می‌شود که در پی سقوط صفویه اراضی آن ابتدا بین روسیه و عثمانی و در پی حملات روسیه در عهد قاجار، بین ایران و روسیه تقسیم شده است. در نتیجه این معاهدات ظالمانه، ملت آذربایجان به دو بخش تقسیم شده‌اند (MAHMUDLU, et al, n.d /8: 50-54, 182; NURİYEVA, 2015: 172-194). با

۱. برای اطلاع بیشتر رک.

Agaoğlu, 2006: 74 ; Dewaal, 2003: 133-137, Süleymanlı, 2006: 27, Hacısalihoğlu, 2012: 182; NURİYEVA, 2015: 30-150; Mahmudlu, et al, 2018: 31-111; QƏNİYEYEV, 2019: 86-207;

سیف‌الدینی، ۱۳۹۵: ۱۰.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ / ۱۴۹

تبلیغ اندیشه‌های یادشده تلاش می‌شود افکار عمومی در مسیری مطابق با ایدئولوژی حاکم هدایت شود (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۶). مهم‌تر اینکه براساس این دیدگاه، جمهوری آذربایجان تداوم حکومت ترکان در عصر معاصر به شمار می‌رود.

چنین افکاری در منابع فارسی و ترکی منتشرشده در ایران رسوخ یافته و تأثیر آن را می‌توان در برخی کتاب‌ها، به‌ویژه ترجمه‌ها مشاهده کرد. ترجمه کتاب *آذربایجان امپراتورلاری* (ظاهرزاده، ۱۴۰۰) نمونه‌ای از این تأثیرپذیری است. در تعدادی از کتاب‌های منتشره در ایران به حاکمیت ترکان از دوره باستان پرداخته شده است (زهتابی، ۱۳۸۱: ۱/ ۷۱۰-۲۱۱؛ چهره‌گشا، ۱۳۸۹: ۳۴-۲۷؛ سپهروند، ۱۳۸۱: ۲۸ و ۱۶؛ همراز، ۱۳۹۸: ۲۲). طرف‌داران این دیدگاه ماننا را اولین دولتی می‌دانند که موفق به ایجاد وحدت سرزمینی در آذربایجان شده است (کریمی، ۱۴۰۰: ۲۳۲).

پیروان داخلی این دیدگاه مدعی هستند در طول تاریخ، آذربایجان حکومت مستقل خود را در داخل امپراتوری بزرگ ایران حفظ کرده و بسیاری از حاکمان و حکومت‌های ایران در اصل «حکومت‌های آذربایجانی به حساب می‌آیند» که در برهه‌هایی بر همه این کشور استیلا یافته‌اند (گروه مؤلفان (۲)، ۱۴۰۰: ۲۲۱).

۲. تأکید بر خان‌نشین‌ها به عنوان واحدهای سیاسی منطقه

وجود خان‌نشین‌ها در تقسیم‌بندی تاریخ سیاسی منطقه به‌عنوان واحدهای سیاسی یکی از مسائلی به شمار می‌رود که در تاریخ‌نگاری جمهوری آذربایجان بر آن تأکید می‌شود. به اعتقاد طرف‌داران این نظریه در مناطق شمالی و جنوبی ارس به‌ویژه بعد از صفویه، خان‌نشین‌های چندی تأسیس شده و هرکدام حکومت محلی مستقلی به شمار می‌رفت (رسول‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۱-۱۲؛ Mustafayev, 2015: 73-75; Əliyarlı, Şükürov, 2010: 7; Həsənova, Əliyeva, ۲۰۱۰: 84-88; MAHMUDLU, et al, n.d /8: 84-88). این خان‌نشین‌ها نسل‌اندنسل آزادانه در آذربایجان حکومت کرده و در رقابت با یکدیگر بوده‌اند (زیادخان، ۱۳۸۹: ۷۱؛ NURİYEVA, 2015: 9). از جمله این حکومت‌ها در مناطق جنوبی ارس خانات ارومیه، خوی، تبریز، مراغه، سراب و مناطق شمال آن خان‌نشین‌هایی مانند شکلی، دربند، باکو، تالش... را می‌توان نام برد (Şükürov, 1998: 22).

بررسی مکتوبات در ایران، حاکی از تأثیرپذیری از این دیدگاه است و تأکید بر وجود خان‌نشین‌ها در قالب نگارش، خصوصاً ترجمه به انحای مختلف انعکاس یافته است. برای مثال در کتاب *خان‌نشین تبریز* به حکام مستقل تبریز پس از فروپاشی صفویان به‌ویژه در دوره دناوله

توجه شده است (ایمانوا، ۱۴۰۰). در سایر کتب نیز می‌توان این دیدگاه را کم‌وبیش مشاهده کرد (همت‌زاده، ۱۳۹۹: ۸۶-۷۹). با اندکی دقت در متن کتب موجود چنین به نظر می‌رسد القای وجود حکومت‌های محلی در آذربایجان پیامدی جز تشکیک در وابستگی مناطق شمالی و جنوبی رود ارس به حکام مستقر در ایران ندارد.

مسائل و مشکلات جمهوری آذربایجان

از سایر مسائل تأثیرگذار بر کتاب‌ها در ایران، انعکاس مشکلات داخلی جمهوری آذربایجان را می‌توان نام برد. در این میان مناقشه قره‌باغ اهمیت بسیاری دارد. این مناقشه ازسویی ریشه در مسائل دوره شوروی و از سوی دیگر عوامل قومی داشته و حیات سیاسی و اجتماعی این کشور را تا بازپس‌گیری قره‌باغ تحت‌الشعاع قرار داده است؛ لذا اشغال قره‌باغ توسط ارمنستان موضوعی محوری در تاریخ‌نگاری جمهوری آذربایجان به شمار می‌رود که به رشد احساسات ملی‌گرایانه منجر شد.

موضوع آرامنه و قره‌باغ در منابع کشور مذکور به‌گونه‌ای مطرح می‌شود که ایشان به‌عنوان گروهی غیر و دشمن تاریخی در طول ادوار مختلف در جنایات علیه آذری‌ها به ایفای نقش پرداخته‌اند (Abasova, Şirinova, 2002: 125; MAHMUDLU, et al, n.d/9: 67-71). یعقوب‌زاده فرد، ۱۴۰۰: ۱۵۷). اشغال قره‌باغ و بی‌طرفی ایران در شرایطی که بخش‌هایی از خاک جمهوری آذربایجان در اشغال آرامنه بود سبب ایراد اتهاماتی مبنی بر حمایت از آرامنه شد. این امر در مناطق شمالی ایران موجبات احساسات مردمی را فراهم کرد و تا حدودی به حس تنفر قومی از آرامنه دامن زد.

نگرش تاریخ‌نگاران جمهوری آذربایجان به مناقشه قره‌باغ، فارغ از میزان صحت آن، تا حدودی نویسندگان آذربایجانی ایران را تحت‌تأثیر قرار داد و کتاب‌های چندی در این رابطه ترجمه و منتشر شد که ازجمله آن‌ها کتاب *فاجعه قره‌باغ* را می‌توان نام برد (محمدزاده، ۱۳۹۰). در این راستا سابقه تاریخی اقدامات آرامنه در شمال غرب ایران مورد توجه قرار گرفته و طی دو دهه اخیر چندین کتاب با موضوع کشتار مسلمانان توسط آرامنه معروف به جلوه‌ها در جریان جنگ جهانی اول به رشته تحریر درآمده است.

در این کتاب‌ها ضمن توجه به مسئله قره‌باغ و کشتار آذربایجانی‌ها تلاش شده، اشغال قره‌باغ را به‌نوعی تداوم اقدامات جلولوق‌ها قلمداد نمایند (همت‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۵۵-۱۱۵؛ همت‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۰۰-۴۷ و ۳۴؛ تیموری، ۱۳۹۹: ۲۵۳-۱۳؛ گروه مؤلفان (۲)، ۱۴۰۰: ۵۶-۵۲؛ عزیز، ۱۳۹۹: ۱۰۶؛ نجفلی، ۱۳۹۹: ۱۰۶-۵). مناقشات جمهوری آذربایجان و ارمنستان و

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ / ۱۵۱

سیر آن تا آزادسازی مناطق اشغالی قره‌باغ از سایر موارد مورد توجه است (عزیزی، ۱۳۹۹: ۲۹-۱۷؛ همت‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۹۷-۲۵۵) که گاهی با عبارت احساسی در حمایت از آن مانند «آذربایجانین ظفرلی اردوسو» (عزیزی، ۱۳۹۹: ۳) یا آذربایجان غالب و ارمنستان مغلوب و تسلیم (عزیزی، ۱۳۹۹: ۶۳-۵۹ و ۴۵) بیان می‌شود. باتوجه‌به متون بررسی‌شده در چنین مواقعی نیز واژه آذربایجان به‌صورت کلی و بدون قید پیشوند جمهوری به کار رفته است. از دیگر موارد مهم در رویکرد تاریخ‌نگاری جمهوری آذربایجان در ارتباط با مسئله آرامنه، تأکید بر نقش حمایتی امپراتوری عثمانی و جمهوری ترکیه است که از آن با عناوینی همچون «ملت برادر» یا «کمک برادرانه» یاد می‌شود (رسول‌زاده، ۱۳۸۰: ۴۹-۴۷). این امر را می‌توان در مسائل مرتبط با پایان جنگ جهانی اول در ارتباط با آرامنه و نیز نقش ترکیه در جریان آزادسازی مناطق اشغالی قره‌باغ مشاهده کرد.

در منابع مذکور عثمانی و امروزه ترکیه در برابر آرامنه، منجی و نجات‌دهنده آذربایجانی‌ها معرفی می‌شوند (زارع شاهمرسی، ۱۳۸۵: ۸۶). جریان دانشناک‌ها و حضور قوای عثمانی در آذربایجان حین جنگ جهانی اول را می‌توان نمونه‌ای از این نقش به شمار آورد. بررسی متن منابعی که درخصوص بحران قره‌باغ و فاجعه جلولوق در ایران نوشته شده، حاکی از تأثیر و بازنشر چنین دیدگاهی است. در این منابع قوای عثمانی ناجی مردم برخی شهرها در برابر آرامنه معرفی شده‌اند (همت‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۵۵-۱۱۵؛ همت‌زاده، ۱۴۰۰: ۳۴، ۴۷-۱۰۰؛ ۱۶۲-۴۴؛ تیموری، ۱۳۹۹: ۲۵۳-۱۳؛ گروه مؤلفان (۲)، ۱۴۰۰: ۵۶-۵۲؛ عزیزی، ۱۳۹۹: ۱۰۶).

بی‌شک پیامد انتشار وسیع این افکار در قالب کتاب چیزی جز، دامن‌زدن به قومیت‌گرایی محلی نیست. نویسندگان این آثار با دست‌مایه اشغالگری جمهوری ارمنستان به تولید گفتمانی در راستای نیازهای موجود پرداخته، تلاش دارند نوعی همبستگی علیه غیر را ترویج نمایند که این غیر به خلافت عربی، حکومت ایرانی یا آرامنه که عامل ستم بر ملت آذربایجان بوده‌اند، قابل‌تعمیم است (چهره‌گشا، ۱۳۹۰: ۶۳). نتیجه‌نهایی این روند در درازمدت چیزی جز کاهش احساس همبستگی ملی نخواهد بود.

سایر عوامل تأثیرگذار

غیر از موارد طرح‌شده، تأثیر برخی از انگاره‌های تاریخ‌نگاری همسایه شمالی مانند قهرمان‌سازی از چهره‌های تاریخی ادوار گذشته منطقه و شخصیت‌های سیاسی جمهوری آذربایجان در آثار بررسی‌شده قابل‌ردیابی است. ترسیم چهره‌ای افسانه‌ای از بابک به‌عنوان قهرمانی که در راه نجات مردم آذربایجان تلاش نموده، جانش را فدای وطن کرده، از موارد

ارزشمند به شمار می‌رود (Mahmudlu, et al., 2018: 20; QƏNİYEV, 2019: 74). در چنین رویکردی جنگ‌های خرم‌دینان به رهبری بابک در برابر خلافت عباسی و در کل عرب‌ها «نبرد آزادی‌بخش» برای آزادی آذربایجان تلقی و از صفحات درخشان تاریخ منطقه دانسته شده است (Bünyadov, 2005: 340; NURIYEVA, 2015: 53).

هرچند نوع نگاه به جریان بابک باتوجه‌به ایدئولوژی حاکم بر ادوار مختلف تاریخ ایران متفاوت است؛ در منابع چند دهه اخیر با واژگانی مانند «قهرمان بزرگ آذربایجان»، «بابک ترک»، «اثل قهرمانی» از وی یاد شده و تکاپوهای خرم‌دینان «قیام مردم آذربایجان» قلمداد می‌شود (فیض الهی وحید، ۱۳۸۸: ۲۴ و ۱۷ و ۴). در برخی منابع نیز از بابک به‌عنوان قهرمان مبارزه با اشغالگران (جدی یئلسویو، ۱۳۸۸: ۴۵ و ۱۵ و ۸)، «برترین مبارز این سرزمین»، «انقلابی تنها» یاد شده و فعالیت وی را آغاز جنبش رهایی‌بخش آذربایجان عنوان می‌کنند (مهراب، ۱۳۸۷: ۳۶، ۸۱، ۱۰۳). برخی نویسندگان نیز به اشتباه و برخلاف اطلاعات موجود، دین و آیین جاویدان و مزدک را همان فرهنگ تورک‌ها می‌دانند که تا قرن دوم هجری به شکل مشخص تداوم یافته و بابک به‌نوعی تجسم روح ملی در میان توده و خلق قلمداد شده است (کریمی، ۱۴۰۰: ۵۶۱ و ۵۵۲).

معرفی چهره‌های سیاسی جمهوری آذربایجان همچون حیدر علی‌اف با عناوینی همچون پدر، پیشوای کبیر، منجی آذربایجان و جانشین‌اش الهام و قهرمان‌سازی از ایشان نیز از موارد چشمگیر است. نکته مهم اینکه بیشتر توجه به این موضوع در قالب ترجمه صورت‌گرفته است. برای نمونه ترجمه کتاب حیدر علی‌اف (میرعلم اف و آندریانف، ۱۳۹۸) یا الهام سیمای یک رئیس‌جمهور را می‌توان نام برد که البته دومی از سوی سفارت جمهوری آذربایجان انجام شده است.

بخش نسبتاً زیادی از آثار در کشورهایمانند ترکیه و جمهوری آذربایجان به تاریخ عمومی ترک اختصاص دارد. در این منابع تاریخ آذربایجان ذیل بخشی از تاریخ عمومی ترک بررسی شده است. تأثیرپذیری در این حوزه نیز تاحدودی مشهود است. طی نیم‌قرن اخیر به‌ویژه دو دهه اخیر کتب نسبتاً زیادی در حوزه تاریخ عمومی ترک، عمدتاً در قالب ترجمه منتشر شده است. با بررسی عنوان، به‌ویژه دوره و موضوع، روشن است که عمده کتاب‌ها به تاریخ ترکان شمال غرب در عصر باستان اختصاص دارد که معرفی و بررسی آن‌ها در این اندک مقدور نیست.

نتیجه‌گیری

بی‌توجهی به تاریخ‌نگاری محلی از سوی حاکمیت در کنار تشکیل کشوری مستقل با نام بخشی از خاک ایران با عنوان جمهوری آذربایجان با ایدئولوژی خاص که نیازمند تاریخ‌سازی بود، علاوه بر چالش بر سر نام‌گذاری و پیامدهای ناشی از آن، در مناطق مرزی که دارای تفاوت‌های زبانی با مناطق مرکزی ایران است نوعی تأثیرپذیری از تاریخ‌نگاری همسایه شمالی را سبب شد. تشکیل جمهوری آذربایجان با توجه به پیشینه پیوند آن با ایران تاریخی، همسایگی و اشتراکات فرهنگی به‌ویژه در حوزه زبانی با شمال غرب ایران و نوع نگاه متفاوت به تاریخ مشترک با ایران در راستای ایجاد هویت، با بهره‌گیری از تاریخ و تاریخ‌نگاری سبب تحریف برخی مسائل و وارونه‌کردن تاریخ به نفع هویت جدید و نیز ارائه تاریخی متفاوت از آنچه از دوره پهلوی در ایران تبلیغ می‌شد، گردید. در این نگاه تأکید بر دیرینگی حضور ترکان و وجود کشوری مستقل یا حداقل حکومت‌هایی با منشأ آذربایجانی از عصر باستان تا دوره قاجار در منطقه است که با فراز و نشیب‌هایی در ادوار مختلف تداوم یافته و آذربایجان همواره مستقل بوده، یا حکومت‌های آن بر سایر مناطق ایران سلطه داشته‌اند. بررسی منابع منتشرشده طی سه دهه اخیر، به‌ویژه منابع استفاده‌شده حاکی از تأثیر این نوع نگرش در میان برخی از نویسندگان داخلی است. با بی‌توجهی به تاریخ محلی در محافل علمی، تاریخ‌نگاری منطقه‌ای رشد نسبتاً زیادی نمود که براساس علایق شخصی عمدتاً از سوی نویسندگان غیرمتخصص نوشته شده و شاهد تأثیرپذیری از آثار منتشرشده آن سوی مرزها هستیم. اگرچه توجه به تاریخ محلی نوعی فرصت جهت آشکارشدن زوایای تاریک تاریخ منطقه است؛ بررسی متن کتاب‌ها نشان از غیرعلمی بودن این نوشته‌ها، غیرمتخصص بودن نویسندگان و تکرار مطالب است به‌گونه‌ای که متن برخی از آن‌ها با تفاوت‌های اندکی تقریباً یکی بوده و بر گفتمانی واحد تأکید دارد که می‌تواند در شکل‌گیری هویت متفاوت، ایجاد شکاف و تمایل به آن سوی مرزها مؤثر بوده و البته نوعی تهدید نرم به شمار می‌رود.

منابع

- احمدی، حسین (۱۳۹۰) «بررسی کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان (با تأکید بر کتاب‌های تاریخی)»، *مطالعات ملی*، (۲)، ۱۸۴-۱۵۷.
- _____ (۱۳۹۴) *جمهوری آذربایجان ۲۳ سال تکاپو برای دولت و ملت‌سازی*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- _____ (۱۳۹۶) *بررسی کتب درسی جمهوری آذربایجان*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

استرابو (۱۳۸۲) *جغرافیای استرابو سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

ایمانوا، آینور (۱۴۰۰) *خان‌نشین تبریز*، علی‌اصغر حقدار، بی‌جا: باشگاه ادبیات.
آبادیان، حسین (۱۴۰۱) «سیف آزاد و تاریخ‌نگاری نژادی مبتنی بر آریایی‌گرایی»، *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری*، ۳۲(۲۹)، ۳۱-۱۱.

بابایی، علی (۱۳۹۵) «تحول تاریخ‌سازی در جمهوری آذربایجان».

<https://azariha.org/1541/%D8%AA%D8%AD%D9%88%D9%84-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE-%D8%B3%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AC%D9%85%D9%87%D9%88%D8%B1%DB%8C-%D8%A2%D8%B0%D8%B1%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D9%86>

برهان تبریزی، محمدحسین‌بن‌خلف (۱۳۳۲) *برهان قاطع*، به‌اهتمام محمد معین، تهران: ابن‌سینا.

بیات، کاوه (۱۳۸۰) *توفان بر فراز قفقاز*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

پارسامقدم، رضا (۱۴۰۲) «تعیین نظم گفتمانی خوانش نژادی ناسیونالیست‌های رمانتیک ایرانی در تاریخ‌نگاری معاصر ایران (از قاجاریه تا پایان دوره پهلوی)»، *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری*، doi: 10.22051/hph.2023.44568.1676

پلوتارخ (۱۳۸۰) *ایرانیان و یونانیان به روایت پلوتارخ*، ترجمه احمد کسروی، تهران: جامی.

تیموری، میلاد (۱۳۹۹) *تراژدی بزرگ در غرب آذربایجان*، تبریز: اختر.

جدی نیلسویو، منصور (۱۳۸۸) *بابک قهرمان مبارزه با اشغالگران*، اردبیل: شیخ صفی.

چهره‌گشا، امیر (۱۳۸۹) *عجب‌شیر در گذر زمان*، تهران: تکدرخت.

_____ (۱۳۹۰) *پیشگامان تاریخ و فرهنگ آذربایجان*، تهران: تکدرخت.

_____ (۱۳۹۳) *تاریخ عجب‌شیر*، تبریز: اختر.

حسینی تقی‌آباد، مهدی؛ علی‌زاده، شیوا (۱۳۹۸) «دیپلماسی عمومی و سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران در روابط با جمهوری آذربایجان: ظرفیت‌ها، موانع و راهکارها»، *جستارهای سیاسی معاصر*، ۱۰(۴)، ۱-۲۴.

دهقانی، رضا (۱۳۹۰) «هویت ایرانی و تاریخ‌نگاری محلی (از آغاز اسلام تا قرن هفتم هجری)»، *مطالعات ملی*، ۴(۴)، ۱۱۵-۱۴۰.

رسول‌زاده، محمدامین (۱۳۸۰) *جمهوری آذربایجان چگونگی شکل‌گیری و وضعیت کنونی آن*، ترجمه تقی اسلام‌زاده، تهران: شیرازه.

رسولی، حسین (۱۳۹۷) «تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی دوره رضاشاه و تأکید بر پیوستگی نژادی کردها و ایرانیان»، *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری*، ۲۸(۲۲)، ۳۹-۵۹.

رضا، عنایت‌الله (۱۳۶۷) *آذربایجان و ایران*، بی‌جا: مرد امروز.

زارع شاهموسی، پرویز (۱۳۸۵) *آذربایجان ایران و آذربایجان قفقاز*، تبریز: اختر.

زرگری، رضا (۱۴۰۰) *تاریخ دیرین شرق آذربایجان*، تبریز: ستوده.

زهتابی، محمدتقی (۱۳۸۱) *ایران تورکلزینین اسکی تاریخی*، تبریز: اختر.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ / ۱۵۵

- زیادخان، عادل‌خان (۱۳۸۹) *جمهوری آذربایجان*، ترجمه سجاد حسینی، تبریز: اختر.
- سپهروند، مجید (۱۳۸۱) *مراغه در سیر تاریخ*، تبریز: احرار.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۵) «قومیت از منظر سیاست‌های هویت»، *دانش سیاسی*، (۳)، ۱۶۵-۱۴۳.
- سیف‌الدینی، سالار (۱۳۹۵) *چالش‌های تاریخ‌نگاری وارونه، نقدی بر مکتب تاریخ‌نگاری قفقاز*، تهران: تمدن ایرانی.
- صدقی، ناصر؛ سلماسی‌زاده، محمد؛ دین‌پرست، ولی؛ جعفری، فرهاد (۱۴۰۰) «ناسیونالیسم ایرانی و مسئله آذربایجان و زبان ترکی (با تأکید بر مجلات دوره گذار از قاجاریه به پهلوی)»، *تاریخ/اسلام و ایران*، ۳۱(۴۹)، ۹۱-۷۳.
- طاهرزاده، عدالت (۱۴۰۰) *آذربایجان امپراتورلاری آغامحمدخان قاجار*، بهرام سورگون، تبریز: پارلاقلم.
- عزیززاده، میرنیی (۱۳۸۶) *تاریخ دشت مغان*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- عزیزی، عادل (۱۳۹۹) *گوزون آیدین آذربایجان*، قم: یاس بخشایش.
- علی‌اف، علی اکرام (۱۳۸۵) *خطرات حاج علی اکرام*، به کوشش عبدالحسین شهیدی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فائق، ابراهیم (۱۳۷۵) *آذربایجان در مسیر تاریخ ایران*، تبریز: یاران.
- فیض‌الهی و وحید، حسین (۱۳۸۸) *سرخ جامگان مبارزان شیعه آذربایجان*، تبریز: هاشمی سودمند.
- قربانی، لطفعلی (۱۳۹۵) *آذربایجان در عصر تیمورگورکان*، تبریز: پژوهش‌های دانشگاه.
- قوام، سید عبدالعلی؛ زرگر، افشین (۱۳۹۰) *روند ملت‌سازی در جمهوری‌های قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان)*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- کرم‌زادی، مسلم؛ خوانساری فرد، فهیمه (۱۳۹۱) «دولت‌سازی در قفقاز جنوبی: شکست‌ها و موفقیت‌ها»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، (۷۸)، ۱۶۵-۱۳۷.
- کریمی، محمدرضا (۱۴۰۰) *نگاهی به تاریخ آذربایجان*، قم: یاس بخشایش.
- گروه مؤلفان (۱) (۱۴۰۰) *تاریخ آذربایجان (از دوران باستان تا ۱۸۷۰)*، علی حسین‌زاده داشقین، تبریز: اختر.
- گروه مؤلفان (۲) (۱۴۰۰) «سه سنگیاد باستانی» در *برگ‌هایی از تاریخ آذربایجان* (مجموعه مقالات)، تبریز: اختر.
- محمدزاده، حورا (۱۳۹۰) *فاجعه قره‌باغ*، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، ارومیه: باز نشر.
- محمودی قلندری، بهروز (۱۳۹۲) *عهد باستان سومریان تا هخامنشیان*، تبریز: عمیدی.
- مرشدی‌زاد، علی (۱۳۸۴) *روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی*، تهران: نشر مرکز.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۰) «ملاحظات روش‌شناختی در چیستی و اعتبار تاریخ‌نگاری‌های رسمی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، ۲۱(۷)، ۸۷-۱۱۳. doi: 10.22051/hph.2014.847
- مهراب، محمد (۱۳۸۷) *بابک خرم‌دین*، تبریز: هاشمی سودمند.
- میرعلی‌اف، حسین بالا؛ آندریانف، ویکتور (۱۳۹۸) *حیدر علی‌اف*، ترجمه حسین شرقی دره‌جک و

میرعلی رضایی، تبریز: آیدین.

نائبی، محمدصادق (۱۳۹۲) میانه، تهران: جهان جام‌جم.

نجفلی، گون‌تکین (۱۳۹۹) / اورمو بولگه سینده جیلوولوق حادشه لری ۱۹۱۸-۱۹۱۷، محمدرضا اسماعیل‌زاده، تبریز: اختر.

نیایش، امید (۱۳۸۰) / آذربایجان و هویت، تهران: امید نیایش.

واعظی، محمود (۱۳۸۹) سیاست و امنیت در قفقاز، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

ویلسون، گرائم (۱۳۹۰) / الهام؛ سیمای یک رئیس‌جمهور، بی‌جا: بی‌نا (سفارت جمهوری آذربایجان در ایران).

همت‌زاده، مهدی (۱۳۹۹) / حقایق تلخ و تاریک از جنایات ارمنه و قتل‌عام مسلمانان، تبریز: آذر توران.

_____ (۱۴۰۰) / حقایق تلخ و تاریک از جنایات ارمنه و قتل‌عام مسلمانان، قم: یاس بخشایش.

_____ (۱۴۰۰) / قره‌باغ از اشغال تا آزادی، قم: یاس بخشایش.

همراز، رضا (۱۳۹۸) / تاریخچه ادبیات آذربایجان تا عصر صفوی، تبریز: قالان یورد.

الهیاری، فریدین (۱۳۸۸) / ورزقان و خاروانا در پس‌کوجه‌های تاریخ آذربایجان، تبریز: هاشمی سودمند.

یعقوب‌زاده فرد، جلیل (۱۳۹۹) / مجموعه مقالاتی پیرامون تاریخ آذربایجان، تبریز: قالان یورد.

_____ (۱۴۰۰) / شکل‌گیری تاریخ‌نگاری مدرن در جمهوری آذربایجان، تبریز: قالان یورد.

یگانه، عیسی (۱۳۹۸) / مختصری از تاریخ و جغرافیای سولدوز (شهرستان نقده)، تبریز: اختر.

یاقوت حموی، عبدالله (۱۹۹۵) / معجم البلدان، بیروت: دار صادر.

Abasova, X.M, Şirinova, E.Q, (2002), "Azərbaycan Tarixşünaslığında Sovet Repressiyası Problemi Haqqında", *Bakı Universiteti Xəbərləri Humanitar Elmlər Seriyası*, No. 4, p 120-127.

Agaoğlu, Elnur (2006), *Sovyet İdeolojisi Çerçevesinde Türk Cumhuriyetlerinin Tarih Yazımı ve Tarih Eğitimi: Azerbaycan Örneği*, Ankara: Hacettepe Üniversitesi Atatürk İlkeleri ve İnkılapları Tarihi Anabilim Dalı Yayınlanmamış Doktora Tezi.

Bünyadov, Ziya, (2005), *Azərbaycan VII- IX Əsrlərdə*, Bakı: Elm.

Dewaal, Thomas, (2003), *Black Garden: Armenia and Azerbaijan through Peace and War*, New York: New York University Press.

Elçibey, Ebülfez, (2012), "Azerbaycan'dan Başlayan Tarih", Muhammet Kemaloğlu (çev.) , *The Journal of Academic Social Science Studies*, Vol. 5, Issue 8, pp. 804-812.

Əliyərli, S.S, Şükürov K.K, (2010), I. RUSİYANIN ŞİMALİ AZƏRBAYCAN XANLIQLARINI İSGAL ETMƏSİ. XANLIQ DÖVRÜNÜN SONU, in, *AZƏRBAYCAN TARİXİ XIX – XXI əsrin əvvəli. Ali məktəblər üçün müəhazirələr kursu*, BAKI: «Bakı Universiteti» nəşriyyatı, p 3-82.

Əliyərli, Süleyman, (2009), *Azərbaycan Tarixi: Uzaq Keçmişdən 1870-ci İlə Qədər*, Bakı: Çıraq

Əliyev, İqrar, (2007), *AZƏRBAYCAN TARİXİ ən qədimdən bizim eramın III əsri*, BAKI: Elm nəşriyyatı.

Hacısalihoğlu, Fuat, (2012), "Azerbaycan'da Ulusal Tarih Yazımı", *History Studies*, Pro. Dr. Enver Konukçu Armağanı, ss. 173-194.

Həsənova, L.L, Əliyeva, F.M, (2010), II. ŞİMALİ AZƏRBAYCAN XIX ƏSRİN 40-70-ci İLLƏRİNDƏ, in *AZƏRBAYCAN TARİXİ XIX – XXI əsrin əvvəli. Ali məktəblər üçün*

- mühazirələr kursu, BAKI: «Bakı Universiteti» nəşriyyatı, p 83-121.
- İbrahimova, A.Z. (2010), VIII. AZƏRBAYCAN XALQ CÜMHURİYYƏTİ (1918 – 1920), in: AZƏRBAYCAN TARİXİ XIX – XXI əsrin əvvəli. Ali məktəblər üçün mühazirələr kursu, BAKI: «Bakı Universiteti» nəşriyyatı, p 248- 279.
- İsmayılova, S.A. (2010), XIV. CƏNUBİ AZƏRBAYCAN1917-ci il – XXI ƏSRİN ƏVVƏLLƏRİNDƏ, in: AZƏRBAYCAN TARİXİ XIX – XXI əsrin əvvəli. Ali məktəblər üçün mühazirələr kursu, BAKI: «Bakı Universiteti» nəşriyyatı, p 526- 545.
- MAHMUDLU YAQUB, ƏLİYEV QABİL, Abdullayev Mehman, Hüseynova Leyla, Cabbarov Hafiz, (n.d), AZƏRBAYCAN TARİXİ 9inci sinfi üçün DƏRSLİK, BAKI: ŞƏRQ-QƏRB.
- MAHMUDLU YAQUB , ƏLİYEV QABİL, HUSEYNOVA LEYLA, ƏLİŞOVA HƏCƏR , CABBAROV HAFİZ, MUSAYEVA ESMİRA, BƏHRƏMOVA SEVİL, (n.d),AZƏRBAYCAN TARİXİ 8inci sinfi üçün DƏRSLİK, BAKI: TƏhsil.
- Mahmudov Yagub, Xəlilov Raffiq, Ağayev Sabir, (2001), Ata yurdu : 5-ci sinif üçün dərslik, Bakı, "Təhsil" Nəşriyyatı.
- Mustafayev,Şohret, (2015), "XVIII-XX. Yüzyıllarda Tarihi Azərbaycan Toprağı -İrevan Hanlığı'nın Arazisinde Ermenilerin Goç Etitirme Politikası", Atatürk Araştırma Merkezi Dergisi, Cilt 31, Sayı 91, ss. 69-92.
- Nəcəfova, K.T. (2010), VI. CƏNUBİ AZƏRBAYCAN1828-1914-cü İLLƏRDƏ, in: AZƏRBAYCAN TARİXİ XIX – XXI əsrin əvvəli. Ali məktəblər üçün mühazirələr kursu, BAKI: «Bakı Universiteti» nəşriyyatı, p 196-221.
- NURİYEVA, İRADƏ, (2015), AZƏRBAYCAN TARİXİ (ən qədim zamanlardan– XXI əsrin əvvəllərində), BAKI: Mütərcim.
- Piriyev, Vaqif Ziyəddin oğlu, (2006), AZƏRBAYCANIN TARIXI-SIYASI COĞRAFIYASI, Bakı: Mütərcim.
- QƏNİYEV, HƏSƏN, (2019), AZƏRBAYCAN TARİXİ (ƏN QƏDİM ZAMANLARDAN – XXI ƏSRİN İLK ONİLLİKLƏRİNƏDƏK), BAKI: n.d.
- Rüstəmov, Afag, (2009), “Azərbaycan'da Tarixsel Kimliğin ve Dilin Gelişim Süreçleri”, Karadeniz, Yıl 1, Sayı 2, ss. 110-122.
- Şükürov, Kərim, (1998), Azərbaycan Tarixi, Cild II, Bakı: Şirvanəşr.
- Süleymanlı Ebulfez, (2006). Milletleşme Sürecinde Azerbaycan Türkleri. Rus İşgalinden Turan, Refik, (2016), Azerbaycan SSC ve Azerbaycan Cumhuriyeti Dönemlerinde Okutulan Tarih Ders Kitaplarında Azerbaycan Halkının Etnik Kökenine ve Diline Yaklaşım, ”, I. Uluslararası Türklerde Tarih Bilinci ve Tarih Yazıcılığı Sempozyumu Bildirileri Kitabı, Ed. Nurettin Hatunoğlu ve Canan Kuş Büyüktaş, Zonguldak: Bülent Ecevit Üniversitesi Yayınları, No:7, ss.271- 283.
- Yusifov, YUSİF BEHLULOĞLU, (1994), “Albaniya'nın Etnik Tarihine Bir Bakış”, XII Türk Tarih Kongresi Bildirileri, Cilt II, ss. 283-291.
- Mahmudlu Yagub, ƏLİYEV QABİL, HUSEYNOVA LEYLA, Ağayev Sabir, BƏHRƏMOVA SEVİL, ƏLİŞOVA HƏCƏR, (2018), AZƏRBAYCAN TARİXİ 7inci sinfi üçün DƏRSLİK, BAKI: TƏhsil.
- Yılmaz Harun, (2013) "The Soviet Union and the Construction of Azerbaijani National Identity in the1930s", Iranian Studies, Vol. 46, No. 4: 511–533.
- Yılmaz Harun, (2015) "A Family Quarrel: Azerbaijani Historians against Soviet Iranologists", Iranian Studies, Vol. 48, No. 5: 769–783.

List of sources with English handwriting

- Ahmadi, H. (2011). Examining the History Books of the Republic of Azerbaijan (with emphasis on textbooks). *National Studies Journal*, 12(46), 157-184. [In Persian].
- Ahmadi, H. (2015). Azerbaijan Republic 23 years of struggle for government and nation building. Tehran: Institute of Contemporary History of Iran. [In Persian].
- Ahmadi, H. (2017). Review of textbooks of the Republic of Azerbaijan, Tehran: Institute of Contemporary History of Iran. [In Persian].
- Strabo. (2003). Strabons Geographika of the lands under the Achaemenid command, translated by Sanetizadeh H, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Foundation. [In Persian].
- Imanova, A. (2021). Khanneshin Tabriz. translated by Haqdar, AA. «n.d»: Literature Club. [In Persian].
- Abadian, H. (2022). Seif-e Azad and Racial Historical Perspective Based on Aryanism. *Historical Perspective&Historiography*, 32(29), 11-31. doi: 10.22051/hph.2023.43625.1666.[In Persian].
- Babaei, A.(2016). "History-making evolution in the Republic of Azerbaijan".[In Persian]. <https://azariha.org/1541/%D8%AA%D8%AD%D9%88%D9%84-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE-%D8%B3%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AC%D9%85%D9%87%D9%88%D8%B1%DB%8C-%D8%A2%D8%B0%D8%B1%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D9%86>
- Pages from the history of Azerbaijan. (2021). Tabriz: Āzar Tūrān and Nabāfī. [In Persian].
- Burhan Tabrizi, M H. (1953). Burhan Qāf'. by Moin M. Tehran: Ibn Sīnā. [In Persian].
- Bayat, K. (2001). Storm over the Caucasus. Tehran: Printing and Publishing Center of the Ministry of Foreign Affairs. [In Persian].
- Parsamoghadam, R. (2023). Determining the discursive order of the racial reading of Iranian romantic nationalists in contemporary Iranian historiography (from the Qajar period to the end of the Pahlavi period). *Historical Perspective&Historiography*, (), -. doi: 10.22051/hph.2023.44568.1676.[In Persian].
- Plutarchus. (2001). The lives of the noble Grecians and Romans (Iranians and Greeks according to Plutarchus). Translated by Kasravi A. Tehran: jāmi. [In Persian].
- teymuri chori, M. (2020). Great Tragedy in West Azerbaijan. Tabriz: Aq̄tar. [In Persian].
- Jedi Yelsoyo, M. (2009). Babak, the hero of the struggle against the invaders. Ardabil: šeiḡ safī. [In Persian].
- Cehregosa, A. (2010). Ajabshir in the passage of history. Tehran: Tekdraḡt. [In Persian].
- Cehregosa, A. (2011). The pioneers of Azerbaijan's history and culture. Tehran: Tekdraḡt. [In Persian].
- Cehregosa, A. (2014). History of Ajabshir. Tabriz: Aq̄tar. [In Persian].
- Hosseini Taghiabad, S. M., & Alizadeh, S. (2020). Public Diplomacy and Neighbourhood Policy of the Islamic Republic of Iran in Relations with the Republic of Azerbaijan; Capacities, Obstacles and Solutions. *Contemporary Political Studies*, 10(4), 1-24. doi: 10.30465/cps.2020.28380.2377.[In Persian].
- Dehqani, R. (2011). Iranian Identity and Local Historiography (The Beginning of Islam until the Seventh Century A.H). *National Studies Journal*, 12(48), 115-140. [In Persian].
- Rasulzadeh, M A. (2001). the Republic of Azerbaijan, how it was formed and its current state. translated by Islamzadeh T. Tehran: Shiraz. [In Persian].
- Rasouli, H. (2019). Nationalist Historiography in Reza Shah Era and Its Emphasis on Ethnic Affinity between Kurds and Iranians. *Historical Perspective&Historiography*, 28(22),

- 39-59. doi: 10.22051/hph.2019.24475.1324. [In Persian].
- Reza, E. (1988). Azerbaijan and Aran. «n.d»: Marde Amroz. [In Persian].
- Zare Shahmarasi, P. (2006). The Azerbaijan of Iran and Azerbaijani of Caucasus. Tabriz: Akhtar. [In Persian].
- Zargari, R. (2021). Ancient history of eastern Azerbaijan, Tabriz: Sotoūdeh. [In Persian].
- Zahtabi, M T. (2002). The Old History of the Turks of Iran. Tabriz: Akhtar. [In Persian].
- Ziyad Khan, A. (2010), Republic of Azerbaijan. translated by Hosseini S. Tabriz: Akhtar. [In Persian].
- Sepherond, M . (2002). Maragheh in the course of history. Tabriz: Ahrār. [In Persian].
- Seyed Emami, K. (2006). Ethnicity from the Point of View of Identity Politics. *Bi-Quarterly Political Knowledge*, 2(1), 143-166. doi: 10.30497/pk.2006.69. [In Persian].
- Seyfūddini, S. (2016). A critical approach to the Caucasian school of historiography is a problem of writing fictional history. Tehran: Iranian civilization. [In Persian].
- Sedghi, N., Salmasizadeh, M., Dinparast, V., & Jafari, F. (2021). Iranian Nationalism and the Issue of Azerbaijan and the Turkish Language (Emphasizing on Periodicals of Transition Era From Qajar to Pahlavi). *History of Islam and Iran*, 31(49), 73-91. doi: 10.22051/hii.2021.31928.2272. [In Persian].
- Taherzadeh, A. (2021). Emperors of Azerbaijan, Agha Mohammad Khan Qajar. Sorgun B, Tabriz: Parla Qalam. [In Persian].
- Azizzadeh, M. (2007). History of the Mughan Plain. Tehran: Institute of Contemporary History of Iran. [In Persian].
- Azizi, Adel, (2020), Gozon Aydin Azerbaijan, Qom: Yas Bakshaish. [In Persian].
- Aliov, A. (2006). The memoirs of hajj Ali Ekram Aliov (the leader of islamicparty of Azarbaijan). Shahidi Arasbaran, A H. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. [In Persian].
- Faeghi, E. (1996). Azerbaijan on the history. Tabriz: Yarān. [In Persian].
- Faiz Elahi Vahid, H. (1388). Sorkh Jamgan Shiite Fighters of Azerbaijan. Tabriz: Hashemi Soodmand. [In Persian].
- Ghorbani, LA. (2016). Azerbaijan in the era of Timur Gorkan. Tabriz: University Research. [In Persian].
- Ghavam, A . Zargar, A.(2011). Process of nation- state building in the south caucasus republics (Armenia, Azerbaijan and Georgia). Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch. [In Persian].
- Keremzadi, M, Khansari Fard, F. (2014). State Building in the South Caucasus: Failures and Successes. *Central Asia and The Caucasus Journal*, 18(78), 137-165. [In Persian].
- Karimi, M. (2021). A look at the history of Azerbaijan. Qom: Yas Bakshaish. [In Persian].
- Group of Authors. (2021). History of Azerbaijan (from ancient to 1870). Hosseinzadeh Dashkin,A. Tabriz: Akhtar. [In Persian].
- Mohammadzadeh Sediq, H. (2007). Three Ancient Stones, Tabriz: Akhtar. [In Persian].
- Mohammadzadeh, H. (2011). Qarabagh catastrophe. translated by Zare Shahmarsi, P. Urmia: Baznashr. [In Persian].
- Mahmoudi Qalandari, B. (2013), Sumerian to Achaemenid period. Tabriz: Umidi. [In Persian].
- Morshedi – Zad, A.(2005). Azari intellectuals and their attitude to national and ethnic identity. Tehran: Nahre Markaz. [In Persian].
- Mollaiy Tavani, A. R. (2011). Methodological Reflections About identity and Credibility of the Official Historiography. *Historical Perspective&Historiography*, 21(7), 87-113. doi: 10.22051/hph.2014.847. [In Persian].
- Mehrab, M. (2008). Babak Khorramdin. Tabriz: Hashemi Soodmand. [In Persian].
- Miralamov, H. Andrianov, V. (2019). Heydar Aliyev. translated by Sharqi Dere Jack,H and Rezaei, MA. Tabriz: Āydein. [In Persian].

- Naibi, MS. (2012). Myani, Tehran: Jahān Jam. [In Persian].
- Najafli, GT. (2020). Jululuq Incident in Urmia 1917-1918. Ismailzadeh, MR. Tabriz: Akhtar. [In Persian].
- Niayesh, O. (2001). Azerbaijan and Identity. Tehran: Omīd Nīāyeš. [In Persian].
- Vaezi, M. (2010). Politics and Security in the Caucasus, Tehran: Strategic Research Center. [In Persian].
- Wilson, G. (2011). inspiration; The face of a president, without a place: «n.d» «n.n». (Embassy of the Republic of Azerbaijan in Iran). [In Persian].
- Hamzadeh, M. (2020). bitter and dark facts of Armenian crimes and Muslim massacres. Tabriz: Āzar Tūrān. [In Persian].
- Hamzadeh, M. (2021). bitter and dark facts of Armenian crimes and Muslim massacres. Qom: Yas Bakshaish. [In Persian].
- Hamzadeh, M. (2021). Qarabaq from occupation to freedom, Qom: Yas Bakshaish. [In Persian].
- Hamraz, R. (2019). History of Azerbaijan literature until the Safavid era. Tabriz: Qalan Yord. [In Persian].
- Al-Hyari, F. (2009). Warzghan and Kharwana in the history of Azerbaijan. Tabriz: Hashemi Soodmand. [In Persian].
- Yaqubzadeh Fard, J. (2021). The formation of modern historiography in the Republic of Azerbaijan. Tabriz: Qalan Yord. [In Persian].
- Yaqubzadeh Fard, J. (2020). A collection of articles about the history of Azerbaijan. Tabriz: Qalan Yord. [In Persian].
- Yeganeh, I. (2019). A Brief History and Geography of Soldoz (Nagdeh county), Tabriz: Akhtar. [In Persian].
- Yāqūt Ḥamawī, A. (1995). Moʻjam ul-Boldān. Beirut: Dār šādīr. [In Arabic].
- Abasova, X.M, Şirinova, E.Q, (2002), "Azərbaycan Tarixşünaslığında Sovet Repressiyası Problemi Haqqında", *Bakı Universiteti Xəbərləri Humanitar Elmlər Seriyası*, No. 4, p 120-127. [In Turkish].
- Agaoğlu, Elnur (2006), *Sovyet İdeolojisi Çerçevesinde Türk Cumhuriyetlerinin Tarih Yazımı ve Tarih Eğitimi: Azerbaycan Örneği*, Ankara: Hacettepe Üniversitesi Atatürk İlkeleri ve İnkılapları Tarihi Anabilim Dalı Yayınlanmamış Doktora Tezi. [In Turkish].
- Bünyadov, Ziya, (2005), *Azərbaycan VII- IX Əsrlərdə*, Bakı: Elm. [In Turkish].
- Dewaal, Thomas, (2003), *Black Garden: Armenia and Azerbaijan through Peace and War*, New York: New York University Press. [In Turkish].
- Elçibey, Ebülfez, (2012), "Azerbaycan'dan Başlayan Tarih", Muhammet Kemaloğlu (çev.) , *The Journal of Academic Social Science Studies*, Vol. 5, Issue 8, pp. 804-812. [In Turkish].
- Əliyərli, S.S, Şükürov K.K, (2010), I. RUSİYANIN ŞİMALİ AZƏRBAYCAN XANLIQLARINI İSGAL ETMƏSİ. XANLIQ DÖVRÜNÜN SONU ,in, *AZƏRBAYCAN TARİXİ XIX – XXI əsrin əvvəli*. Ali məktəblər üçün mühazirələr kursu, BAKI: «Bakı Universiteti» nəşriyyatı, p 3-82. [In Turkish].
- Əliyərli, Süleyman, (2009), *Azərbaycan Tarixi: Uzaq Keçmişdən 1870-ci İlə Qədər*, Bakı: Çıraq. [In Turkish].
- Əliyev, İqrar, (2007), *AZƏRBAYCAN TARİXİ ƏN QƏDİMDƏN BİZİM ERANIN III ƏSRI*, BAKI: Elm nəşriyyatı. [In Turkish].
- Hacısalihoğlu, Fuat, (2012), "Azerbaycan'da Ulusal Tarih Yazımı", *History Studies*, Pro. Dr. Enver Konukçu Armağanı, ss. 173-194. [In Turkish].
- Həsənova, L.L, Əliyeva, F.M, (2010), II. ŞİMALİ AZƏRBAYCAN XIX ƏSRİN 40-70-Cİ İLLƏRİNDƏ, in *AZƏRBAYCAN TARİXİ XIX – XXI əsrin əvvəli*. Ali məktəblər üçün mühazirələr kursu, BAKI: «Bakı Universiteti» nəşriyyatı, p 83-121. [In Turkish].
- İbrahimova, A.Z, (2010), VIII. AZƏRBAYCAN XALQ CÜMHURİYYƏTİ (1918 – 1920),

- in: AZƏRBAYCAN TARİXİ XIX – XXI əsrin əvvəli. Ali məktəblər üçün mühazirələr kursu, BAKI: «Bakı Universiteti» nəşriyyatı, p 248- 279. [In Turkish].
- İsmayılova, S.A, (2010), XIV. CƏNUBİ AZƏRBAYCAN1917-ci il – XXI ƏSRİN ƏVVƏLLƏRİNDƏ, in: AZƏRBAYCAN TARİXİ XIX – XXI əsrin əvvəli. Ali məktəblər üçün mühazirələr kursu, BAKI: «Bakı Universiteti» nəşriyyatı, p 526- 545. [In Turkish].
- MAHMUDLU YAQUB , ƏLİYEV QABİL, Abdullayev Mehman, Hüseynova Leyla, Cabbarov Hafiz, (n.d), AZƏRBAYCAN TARİXİ 9inci sinfi üçün DƏRSLİK, BAKI: ŞƏRQ-QƏRB. [In Turkish].
- MAHMUDLU YAQUB , ƏLİYEV QABİL, HUSEYNOVA LEYLA, ƏLİŞOVA HƏCƏR , CABBAROV HAFİZ, MUSAYEVA ESMİRA, BƏHRƏMOVA SEVİL, (n.d),AZƏRBAYCAN TARİXİ 8inci sinfi üçün DƏRSLİK, BAKI: TƏhsil. [In Turkish].
- Mahmudov Yagub, Xəlilov Raffiq, Ağayev Sabir, (2001), Ata yurdu : 5-ci sinif üçün dərslik, Bakı, "Təhsil" Nəşriyyatı. [In Turkish].
- Mustafayev,Şohret, (2015), "XVIII-XX. Yüzyıllarda Tarihi Azərbaycan Toprağı -İrevan Hanlığı'nın Arazisinde Ermenilerin Goç Ettirme Politikası", Atatürk Araştırma Merkezi Dergisi, Cilt 31, Sayı 91, ss. 69-92. [In Turkish].
- Nəcəfova, K.T, (2010), VI. CƏNUBİ AZƏRBAYCAN1828-1914-cü İLLƏRDƏ, in: AZƏRBAYCAN TARİXİ XIX – XXI əsrin əvvəli. Ali məktəblər üçün mühazirələr kursu, BAKI: «Bakı Universiteti» nəşriyyatı, p 196-221. [In Turkish].
- NURİYEVA, İRADƏ, (2015), AZƏRBAYCAN TARİXİ (ən qədim zamanlardan– XXI əsrin əvvəllərinədək), BAKI: Mütərcim. [In Turkish].
- PiriyeV, Vaqif Ziyəddin oğlu , (2006), AZƏRBAYCANIN TARIXI-SIYASI COĞRAFIYASI, Bakı: Müəllim. [In Turkish].
- QƏNİYEV, HƏSƏN, (2019), AZƏRBAYCAN TARİXİ (ƏN QƏDİM ZAMANLARDAN – XXI ƏSRİN İLK ONİLLİKLƏRİNƏDƏK), BAKI: n.d.
- Rüstəmov, Afag, (2009), “Azərbaycan'da Tarixsel Kimliğin ve Dilin Gelişim Süreçleri”, Karadeniz, Yıl 1, Sayı 2, ss. 110-122. [In Turkish].
- Şükürov, Kərim, (1998), Azərbaycan Tarixi, Cild II, Bakı: Şirvanəşr. [In Turkish].
- Süleymanlı Ebulfez, (2006). Milleleşme Sürecinde Azerbaycan Türkleri. Rus İşgalinden. [In Turkish].
- Turan, Refik, (2016), Azerbaycan SSC ve Azerbaycan Cumhuriyeti Dönemlerinde Okutulan Tarih Ders Kitaplarında Azerbaycan Halkının Etnik Kökenine ve Diline Yaklaşım, ”, I. Uluslararası Türklerde Tarih Bilinci ve Tarih Yazıcılığı Sempozyumu Bildirileri Kitabı, Ed. Nurettin Hatunoğlu ve Canan Kuş Büyüktaş, Zonguldak: Bülent Ecevit Üniversitesi Yayınları, No:7, ss.271- 283. [In Turkish].
- Yusifov, YUSİF BEHLULOĞLU, (1994), “Albaniya'nın Etnik Tarihine Bir Bakış”, XII Türk Tarih Kongresi Bildirileri, Cilt II, ss. 283-291. [In Turkish].
- Mahmudlu Yagub, ƏLİYEV QABİL, HUSEYNOVA LEYLA, Ağayev Sabir, BƏHRƏMOVA SEVİL, ƏLİŞOVA HƏCƏR, (2018), AZƏRBAYCAN TARİXİ 7inci sinfi üçün DƏRSLİK, BAKI: TƏhsil. [In Turkish].
- Yılmaz Harun, (2013) " The Soviet Union and the Construction of Azerbaijani National Identity in the1930s ", Iranian Studies, Vol. 46, No. 4: 511–533. [In English].
- Yılmaz Harun, (2015) " A Family Quarrel: Azerbaijani Historians against Soviet Iranologists ", Iranian Studies, Vol. 48, No. 5: 769–783. [In English].



Components of the Historiography of the Republic of Azerbaijan and the Local Historiography of North-western Iran¹

Mohammad Rezaei²

Received: 2023/10/05
Accepted: 2024/02/22

Abstract

In the last decade of the twentieth century, the local historiography of the northwestern regions of Iran was confronted with challenges arising from the establishment of the Republic of Azerbaijan and the resulting process of identity formation through divergent historical narratives about a millennia-long shared past with Iran. These challenges were mainly influenced by scholarly works originating from the Republic of Azerbaijan. The Republic of Azerbaijan, as an autonomous nation with historical, linguistic, and cultural ties to the northwestern territories of Iran, serves as a point of departure for examining the impact of its formation and official historiography on the historiographical landscape of the Turkish-speaking provinces of northwestern Iran. This study seeks to explore how the emergence of this sovereign state and its historical narratives have shaped and influenced the local historiography of these provinces. It is evident that the establishment of the Republic of Azerbaijan and its sanctioned historiography have exerted both overt and nuanced influences on the construction of national identity through a specific rendition of history and its associated elements. These elements encompass a diverse range of themes, including the etymology and historical evolution of the term "Azerbaijan," demarcation of territorial boundaries, discussions of North and South Azerbaijan, examinations of ancient Turkish presence and governance in the region, promotion of the Turkish language, analyses of political trajectories within the Republic of Azerbaijan and their attendant controversies, as well as a broader exploration of Turkish influence on local historiography in Turkish-speaking provinces.

Keywords: Azerbaijan, Republic of Azerbaijan, History, Historiography, Local history.

1. DOI: 10.22051/hph.2024.45133.1684

2. Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. Email: ac.m.rezaei@azaruniv.ac.ir
Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507